****

[مراد از جمره 1](#_Toc489095635)

[عبارتی از کتاب العین در معنی جمره 1](#_Toc489095636)

[مناقشه 2](#_Toc489095637)

[ادامه نقد نظریه کون الجمرة، مجتمع الحصی 2](#_Toc489095638)

[بررسی کلمات لغویین 4](#_Toc489095639)

[بررسی کلمات فقهاء 5](#_Toc489095640)

**موضوع**: رمی جمره /اعمال منا /واجبات حج

**خلاصه مباحث گذشته:**

متن خلاصه ...

## مراد از جمره

### عبارتی از کتاب العین در معنی جمره

در کتاب العین عبارتی آمده که گفته شده از آن استفاده می شود ظاهر جمره، همان سنگ ریزه ها است و رمی الجمار، یعنی رمی سنگ ریزه ها: المَحِلُّ: الموضع الذي يَحِلُّ نحره يوم النحر بعد رمي جمار العقبة.[[1]](#footnote-1)

محل، جایی است که شتر بعد از نحر در آن جا به زمین می افتد که بعد از رمی جمار عقبه این نحر انجام می شود و اگر جمره به معنای ستون باشد، کلمه جمار بکار نمی رفت و معلوم می شود که مقصود از جمار، سنگ ریزه های اطراف ستون است.

#### مناقشه

ولی این مطلب صحیح نیست، زیرا عرفی و معهود نیست کسی بگوید رمیت الحصیات و مقصودش این باشد که به سنگ ریزه ها سنگ زده ام. لذا ما احتمال می دهیم مقصود از رمی جمار العقبة این باشد که هفت سنگی که قرار است به عقبه زده شود، جمار است و گفته می شود این سنگ ریزه ها را بزنید، بعد نحر شتر کنید و سنگ ریزه ها هم به همان جایی که باید، بایستی زده شود، محلی که یرمی الیه، مفرد است، چه بناء باشد و چه مجتمع الحصی، ولی مقصود از جمار، سنگ هایی است که به آن محل زده می شود.

کما این که ممکن است بگوییم شاید بناء را از خود سنگ ریزه ها ساخته باشند، و به این لحاظ از آن تعبیر به جمار شده است.

جدا از این که به این نسخه ها اعتباری نیست و شاید اصلا نسخه جمار غلط باشد و نسخه صحیح، جمرة بوده باشد، خصوصا کتاب العین که خیلی قدیمی است، وقتی در قرآن اختلاف قرائت دیده می شود، احتمال وجود غلط در نسخ دیگر کتب، قطعا وجود دارد.

### ادامه نقد نظریه کون الجمرة، مجتمع الحصی

سابعا: عطاء به ابن عباس گفت که من وسط جمره رفتم و استدلال شده بود که معلوم می شود جمره، مجتمع الحصی بوده که وسط آن رفته است.

اما این استدلال ناتمام است، زیرا جمره دو استعمال دارد، یک به مرمی الیه می گویند و دیگری به منطقه می گویند و شاید مقصود از جمره در کلام عطاء، منطقه جمره باشد.

در مستدرک از برخی نسخ فقه الرضا نقل می کند: ابْدَأْ بِالْجَمْرَةِ الْأُولَى وَ هِيَ الَّتِي أَقْرَبُهُنَّ إِلَى مَسْجِدِ مِنًى فَارْمِهَا وَ اقْصِدْ لِلرَّأْسِ‏ فَارْمِهَا بِسَبْعِ حَصَيَاتٍ تُكَبِّرُ مَعَ كُلِّ حَصَاة.[[2]](#footnote-2)

معلوم می شود که ساق و راسی دارد، به این مجموع می گویند جمره و گاهی به آن راس، جمره می­گویند.

در شعر ابی طالب درباره جمره آمده: مردم به جمره می آیند و قصد می کنند که راس جمره را سنگ بزنند.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| وَ بِالْجَمْرَةِ الْقُصْوَى إِذَا صَمَدُوا لَهَا- |  | يَؤُمُّونَ قَذْفاً رَأْسَهَا بِالْجَنَادِل‏[[3]](#footnote-3) |

علاوه بر این که شاید جمره بناء عریضی بوده باشد که توسط بر روی آن ممکن است و معلوم نیست که جمره بناء کوچکی بوده باشد که نشود بر روی آن قرار گرفت.

لذا در این کلمات و شواهد، دلیلی نیافتیم که جمره شامل اطراف بناء شود، چه رسد به این که ادعاء شود بناء، خارج از جمره است!

چنان که قبلا گفتیم، از زمان شهید به بعد قطعا جمره را بناء می دانستند، و این که گفته شود زمان علامه به قبل، جمره را مجتمع الحصی می دانستند و در این فاصله کم، ناگهان انقلاب فکری پیش آمده، مقطوع العدم است.

و لکن بر فرض که این عرض پذیرفته نشود، نوبت به اصل عملی برائت در دوران بین تعیین و تخییر می رسد.

### بررسی کلمات لغویین

مصباح المنیر گفت کل کومة من الحصی جمرة، ظاهر اولیه آن این است که خود این سنگ ریزها، جمره است که اصلا محتمل نیست، لذا باید بگوییم مقصودش مکانی است که سنگ ریزه ها به آن زده می شود و اطرافش جمع می شود که می تواند بناء باشد، چنین نیست که مقصودش قطعا ما یجتمع فیه الحصی باشد، بلکه شاید مقصودش ما یجتمع حوله الحصی باشد.

علاوه بر این که ممکن است اصلا بناء، از قلوه سنگ ها ساخته شده باشد، و به آن جمره می گویند، زیرا مجتمع الحصای به هم پیوسته است و به همین جهت به آن، کومة من الحصی گفته است.

عبارت مجمع البحرین و پاسخ از آن نیز نظیر عبارت مصباح المنیر و پاسخ از آن است.

در لسان العرب تعبیر کرده بود: و من هنا قیل لمواضع الجمار التی ترمی بمنار لان کل مجمع حصی منها جمرة.

این تعبیر می تواند شامل بناء هم بشود، به بناء هم سنگ می خورد و اطراف آن جمع می شود و همین برای صدق عبارت فوق کافی است.

در نهایة ابن اثیر و تاج العروس هم که دو وجه ذکر کرده است و گفته بود به دو جهت ممکن است به جمره، جمره بگویند یکی این که ترمی بالجمار و دیگری این که مجتمع الحصی است و وجه اول با بناء هم سازگار است، کما این که قبلا گفتیم مجتمع الحصی هم با بناء سازگار است.

### بررسی کلمات فقهاء

شیخ طوسی: فإن وقعت على مكان أعلى من الجمرة‌ و قد حرجت إليها أجزأه.[[4]](#footnote-4)

حرجت یعنی سرازیر به زمین می شود.

اما جواب این است که شاید زمین فرو رفتگی داشته باشد و لذا صدق کند که سرازیر شده است. و این تعبیر صدق می کند، علاوه بر این که در جمره عقبه، مکانی که پشت جمره است، مرتفع است و وقتی سنگ به انسان یا محملی بخورد و به آن پشت بخورد، سرازیر می شود و به بناء می خورد.

عبارت حلبی در کافی نیز شبیه فقه الرضا است که توضیح دادیم و اشکال آن را گفتیم.

علامه در منتهی و تذکره و تحریر فرموده بود: لو رمى بحصاة فوقعت على الأرض ثم مرّت على سننها أو أصابت شيئا صلبا كالمحمل و شبهه ثم وقعت في المرمى بعد ذلك.

و استدلال شده بود که ستون، وقعت علیه است و نه وقعت فیه، لذا وقعت فی المرمی با مجتمع الحصی سازگار است.

جواب این است که اگر ستون عریض باشد، صدق می کند که وقعت فی المرمی.

نبوی در روضة الطالبین گفت لازم نیست سنگ در مرمی بماند، اما این هم دلیل نمی شود که مقصود، مجتمع الحصی باشد، بلکه سازگار است با این که بگوید لازم نیست بر روی ستون یا دیوارها سنگ باقی بماند.

و این که گفته لازم نیست رامی خارج جمره باشد، دلیل بر این نیست که جمره، مجتمع الحصی است، زیرا شاید جمره عریض بوده باشد، کما این که نظریه او برای ما اعتباری ندارد.

1. [كتاب العين؛ ج‌3؛ 28؛ حل ؛ ج‌3، ص : 26](http://lib.eshia.ir/20006/3/28) [↑](#footnote-ref-1)
2. [مستدرك الوسائل و مستنبط المسائل ج‏8 81 2 باب كيفية أنواع الحج و جملة من أحكامها ..... ص : 75](http://lib.eshia.ir/11015/8/81) [↑](#footnote-ref-2)
3. [الكافي (ط - الإسلامية) ج‏1 124 باب تأويل الصمد ..... ص : 123](http://lib.eshia.ir/11005/1/124) [↑](#footnote-ref-3)
4. [المبسوط في فقه الإمامية؛ ج‌1؛ 369؛ فصل: في ذكر نزول منى بعد الإفاضة من المشعر و قضاء المناسك بها ؛ ج‌1، ص : 368](http://lib.eshia.ir/10036/1/369) [↑](#footnote-ref-4)